

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

Iran's M.

afgazad@gmail.com

آئینه ایران

مبارزه برای جهانی بدون مرز (افغانستان – ایران)
۳۰ جولای ۲۰۲۱

شعله هائی که از خوزستان زبانه می کشد



شعله ور شدن سریع آتش شورش جوانان تشنه، گرسنه، بیکار، بی نان و بی آینده تحت این نظام، همدردان دیگر مناطق ایران را به میدان آورد. شعله های آتش در ابعادی وسیع به سراسر ایران و به بخش های مختلف جامعه کشیده شد. برای جمهوری ارتجاعی اسلامی هیچ راهی جز سرکوب خونین، دروغ پراکنی و نسبت دادن شورشها به "امریکا و اسرائیل" و ... باقی نمانده است. ارسال وسیع نیروهای ویژه ضد شورش، بسیج و پاسدار، و سازماندهی اراذل و اوباشان به همراه ارسال هیأت اجرایی از طرف جلاد مردم "محسن اژه ای" به منطقه و ... همگی خبر از تدارک رژیم جهت جلوگیری از گسترش وسیع تر و رادیکالتر این شورش دارد. تعداد جوانان و نوجوانانی که بر اثر تیر اندازی نیروهای ارتجاعی و سرکوبگر رژیم جان باخته اند دو رقمی شده است. مردم از بردن زخمی ها به بیمارستان ها امتناع می ورزند. بی آبی در گرمای بالای ۵۰ درجه بالای آسمانی نیست. این بلائی است که مدعیان نمایندگانی آسمانی بر روی زمین و حتی به عمد ایجاد کرده اند، زمینی که از جمله حاصل خیزترین و پر آب ترین زمین های کشاورزی

در جهان است. زمینی با بیش از یک میلیون هکتار زمین زراعی که پتانسیل چهار بار محصول در سال را دارد. زمینی که روی طلای سیاه نشسته است.

اما مردم چنین سرزمینی علاوه بر تحمل ستم ملی در بیکاری، بی آبی، بی نانی، بی برقی و جوانان آن در نا امیدی نسبت به آینده به سر می برند. بر اساس آخرین تحقیقات مرکز آمار ایران در سال ۹۸ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله در این منطقه بالای ۳۳ درصد است. رقمی که برخی منابع دیگر آن را در حدود ۵۰ درصد تخمین می زنند. (نرخ بیکاری در کل در این استان بالای ۴۰ درصد است). ۲۶ درصد خانوارهای این سرزمین در زیر خط فقر زندگی می کنند (برخی کارشناسان معتقدند رقم واقعی به مراتب بالاتر از این است). این سرزمین از لحاظ میزان گسترده فقر و از لحاظ حاشیه نشینی در مقام دوم در کشور قرار دارد و از لحاظ اعتیاد در مقام سوم است. اشتغال زنان در پائین ترین حد خود و در مقام ۲۴ ام در کشور است. خدمات درمانی حتی نسبت به کل کشور در موقعیت بسیار نازلی قرار دارد. این شرایط بسیاری را مجبور به مهاجرت از سرزمین خود کرده است.

چنین اوضاعی نشان می دهد که خیزش مردم خوزستان به موضوعی بسیار فراتر از بحران جدی آب برمی گردد. بحران آب تنها یک نمونه بارزی از کل شرایطی است که مردم این سرزمین در آن زندگی می کنند. عوامل به وجود آورنده چنین وضعیتی، سیاستهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی رژیم جمهوری اسلامی است که فاجعه بعد از فاجعه برای مردم این سرزمین به بار آورده است. با چنین شرایطی اکثر محصولات کشاورزان از بین رفته است. نخلستان ها زنده به گور گشته اند. دام های دامداران هلاک شده اند و کرونا مردم را همچنان قتل عام می کند. بیماران به علت نبود برق در بیمارستانها تلف می شوند. ستم ملی و جنسی بیداد می کند. بیکاری و گرسنگی همه گیر شده است. گردبادها اجازه نفس کشیدن را نمی دهند و رژیم جمهوری اسلامی بی آیندگی را می خواهد بازور اسلحه به آینده جوانان مبدل سازد.

یکی از سیاست های شایدانه جمهوری اسلامی در مدت ۴۰ سال گذشته – به هم زدن ترکیب ملیتی خوزستان و به حداقل رساندن درصد ملت عرب نسبت به کل جمعیت آن بوده است. بنابراین کوچک ترین اهمیتی به استانداردها و معیارها و ضرورت های حفظ محیط زیست نداده است. سدهائی که بدون مسؤولیت و بدون در نظر گرفتن تأثیرات مخرب دراز مدت آن و بدون در نظر گرفتن تأثیرات آن بر محیط زیست ساخته شده اند باعث از بین رفتن بسیاری از مراتع شده و بسیاری از روستاها ویران گشته اند، آب رودخانه ها و تالاب ها شور شده اند و ضایعات غیر قابل جبرانی را بر کشاورزی و دامداری و نخل ها وارد کرده اند. همچنین با محدود کردن برق رسانی در سطح شهرها باعث ضربات بسیاری به تولیدات خرد شده و زندگی بخش مهمی از وابستگان به تولیدات خرد را داغان کرده است. جمهوری اسلامی که هر روز در سیاست های ارتجاعی و ضد مردمی اش پا را فراتر می نهد، کار را به آنجا رسانده که مردم دیگر از آب شرب هم محروم شده اند. آبی که برای زنده ماندن از نان هم مهمتر است. اما پرآب ترین منطقه ایران از آب شرب محروم ماند و خیزش تشنگان آفریده شد.

جمهوری اسلامی تنها به وخیم کردن شرایط زندگی مردم بسنده نکرد بلکه تلاشهایی عامدانه ای را نیز به عمل آورده تا حد اکثر از تحولات و سرمایه گذاری ها که می توانست غیر مستقیم بر زندگی مردم تأثیر نسبی گذارد جلوگیری کند و حتی به ویرانی های حاصل از جنگ ارتجاعی ایران و عراق رسیدگی نکرد. مهم تر این که از استخدام عرب زبان ها در ادارات دولتی و نهاد هائی که در آن نفوذ داشت، پرهیز کرد و مردم این سرزمین و به خصوص عرب زبانها مجبور به ترک سرزمین خود شدند. فشار بر مردم برای انتقال به دیگر نقاط به حدی است که می توان آن را کوچ اجباری به ترک سرزمین خود شدند. فشار بر مردم برای انتقال به دیگر نقاط به حدی است که می توان آن را کوچ اجباری نامید و به همین دلیل است که مردم خیلی روشن در این خیزش شعارهائی علیه کوچ اجباری از جمله "ما

مهاجرت نمی کنیم" را سر دادند و این پیام روشنی به ارتجاع است که مردم این سرزمین نه تنها بر سیاست ها و مقاصد رژیم آگاه اند بلکه دیگر قصد ندارند در مقابل این سیاست های ارتجاعی، شونیستی و تبعیض گرانه رژیم کوتاه بیایند و مصمم اند که در مقابل آن بایستند و مبارزه کنند.

اگر چه خوزستان حاصلخیز و پرآب به یکی از محرومترین مناطق ایران مبدل شده است اما مردم ایران در دیگر مناطق از رنج و ستم سیاست های جمهوری اسلامی در امان نمانده اند و از درد مشترکی رنج می برند. مردم دیگر نقاط ایران خیزش و مقاومت مردم خوزستان را ستودند و از آن الهام گرفتند. علاوه بر شهرهای مختلف خوزستان که یکی پس از دیگری به این خیزش پیوستند مردم در دیگر استان های ایران نیز علیه جمهوری اسلامی برخاستند و حمایت بی دریغ خود را از خیزش مردم خوزستان اعلام کردند. این مشت محکمی علیه سیاست های تفرقه افکنانه رژیم نیز بود. اول از همه شعار "بختیاری با عرب اتحاد اتحاد" که در شهر ایذه و برخی شهرهای دیگر خوزستان سر داده شد نشان از آگاهی مردم در مقابل سیاست های رژیم بود. اعتراضات مردم الیگودرز، یزدانشهر اصفهان و کرمانشاه در دفاع از مردم خوزستان که سپس با اجتماعاتی در شهرهای مختلف کشور ادامه یافت. آنگاه مردم در متروی تهران و کرج علیه رژیم و سرکرده آن خامنه ای به شعار پرداختند. سپس خیابان های تبریز، اصفهان، بنجورد، تهران، کرج، قزوین و سقز و ایلام برخاستند و شعار "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر خامنه ای" و "خوزستان تنها نیست" سر دادند. مثلاً شعار مردم در تبریز "آذربایجان بیدار است، یاور خوزستان است"، و "آذری، عرب، فارس، اتحاد، اتحاد" همچنین شعاری که به زبان عربی سر دادند نه تنها ضربه محکمی به تبلیغات ارتجاعی جمهوری اسلامی وارد نمود، بلکه بیان درد مشترک کلیه خلقهای ستم دیده در سراسر ایران گشت.

همانگونه که مشخص است شورش عادلانه ای که جرعه آن از خوزستان آغاز گشت، در مدت کوتاهی به اقصی نقاط ایران و در بین بسیاری از اقشار و طبقات نفوذ و گسترش یافت. با گسترش افقی مبارزات و رادیکال تر گشتن آن، توان تمرکز و ابتکار عمل رژیم محدودتر می گردد. در چنین شرایطی، وظیفه یک نیروی انقلابی مبارزه برای تعمیق جنبش و مبارزه برای چگونگی سرنگونی و بنای جامعه ای است که در آن هیچ ستمی، استثمار و تبعیضی نباشد.

شعار "الشعب یُريد إسقاط النظام" نشان از آن دارد که مردم خوزستان دریافته اند که موضوع تنها مدیریت آب نیست و بسیار فراتر از آن است و این نظام جمهوری اسلامی است که باید سرنگون شود و این نظام است که منبع کلیه رنج ها، ستم ها و فقر و اوضاع فلاکت بار نه تنها خوزستان بلکه سراسر ایران است.

رژیم از ترس و وحشت مبارزات مردم در تلاش است تا این مبارزات را سرکوب کند و به نوعی از گسترش آن جلوگیری کند. هر چند که از همان ابتداء چماق سرکوب خود را بلند کرده است و بیش از ده تن از جوانان خوزستان را به قتل رسانده است و صد ها نفر را زخمی و یا بازداشت کرده و به زیر شکنجه برده است.

هزاران تن از نیروهای ویژه سرکوب در شهرهای خوزستان و بقیه نقاط مستقر شده اند. علی رغم آن جوانان شجاع و تشنه آزادی به مبارزات خود ادامه داده اند.

در چنین شرایط خطیری نباید اجازه داد جنایتی که خمینی و دارودسته اش بر سر مبارزات عادلانه خلقهای ایران آوردند، تکرار گردد. این تجربه و بسیاری از تجارب ملی و بین المللی می تواند چراغ راهنمای جوانان شورشگری گردد که در فکر جامعه ای کاملاً متفاوت اند.

باشد که مبارزات جاری مردم در خوزستان و سایر نقاط در خدمت سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جامعه ای قرار گیرد که در مسیر رهائی بشریت قدم برمی دارد.

۵ مرداد [اسد] ۱۴۰۰ برابر با ۲۸ جولای ۲۰۲۱